

بررسی تطبیقی نقش مسئولیت مدنی در جبران خسارت مؤثر نقض حقوق بشر با تأکید بر قطعنامه اصول و رهنمودهای اساسی درباره حق جبران خسارت و غرامت

علیرضا یزدانیان*

امید محمودی قهساره**

DOI: 10.22096/LAW.2021.90421.1290

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷]

چکیده

جبران خسارت نقض حقوق بشر، از راهکارهای اصلی حقوق بین‌الملل برای حمایت از افراد در برابر آسیب است که به صورت جامع در قطعنامه «اصول و رهنمودهای اساسی درباره حق جبران خسارت و غرامت برای قربانیان موارد نقض فاحش مقررات بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه» منعکس شده است. در حقوق ایران، التزام به جبران خسارت در چهارچوب مسئولیت مدنی مطرح بوده و این سؤال مطرح است که حق جبران خسارت، در نهاد داخلی مسئولیت مدنی با ساختارهای بین‌المللی آن تا چه میزان سازگاری دارد تا قربانیان نقض حقوق بشر بتوانند از طریق مکانیزم مسئولیت مدنی به جبران خسارت مؤثر دسترسی یابند. قواعد بین‌المللی جبران خسارت، ریشه در حقوق داخلی دارد. از این رو، مطالعه این دو نهاد داخلی و بین‌المللی در یک پژوهش حقوق تطبیقی، نشانگر امکان سازگاری هرچه بیشتر هر دو نظام حقوقی در موضوع جبران خسارت است که باید از ظرفیت‌های موجود نظام داخلی، بهره‌مندی لازم در این خصوص صورت گیرد. در این رابطه، در نظر گرفتن مسئولیت بدون تقصیر و همچنین، تنوع در روش‌های جبران خسارت و توسعه صندوق‌های دولتی جبران خسارت مورد توجه است.

واژگان کلیدی: جبران؛ خسارت؛ حقوق بشر؛ مسئولیت مدنی؛ بین‌الملل.

* دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. «نویسنده مسئول»
Email: dr.alireza_yazdaniyan@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه پاریس ۱ (پانتئون سوربن)

Email: omidmahmodi1@gmail.com



۱. مقدمه

موضوع جبران خسارت که بر اساس قاعده قدیمی و جهان‌شمول «برای هر خسارتی، جبران خسارتی باید وجود داشته باشد» تقریباً در همه نظام‌های حقوقی داخلی مورد شناسایی قرار گرفته^۲ و دارای مبانی منطقی و مشترکی است که غالب نظام‌های حقوقی از آن تبعیت می‌کنند.^۳ در حقوق بین‌الملل نیز حق جبران خسارت برای زیان‌دیدگان، اصلی اساسی در حمایت از حقوق بشر به شمار می‌رود؛ موضوعی که از نظر فایتر، «توسعه مفاهیمی از حقوق در قلمرو بین‌المللی است که برای مدت‌های زیادی سکه رایجی در نظام‌های حقوقی داخلی بوده است» (Feyter, 2005: 39). پس از پایان جنگ جهانی دوم، توجه به حق جبران خسارت در نقض حقوق بشر به صورت چشمگیری گسترش یافت و اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، در ماده ۸ خود به صراحت بیان کرد: «در برابر اعمالی که حقوق بنیادی فرد را نقض کند و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هرکسی حق رجوع مؤثر به محاکم صالح ملی دارد».^۴ این موضوع به تدریج در دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مطرح گردید؛^۵ به صورتی که می‌توان

1. Ubi jus ibi remedium.

2. See: Shelton, 2011: 13-31.

۳. نک: ره پیک، ۱۳۸۷: ۱۰.

۴. ترجمه مصطلح ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، موضوع حق رجوع به محاکم صالح را بیان داشته است. با این حال، اگرچه remedy می‌تواند، به خصوص با وجود عبارت محاکم صالح، به مفهوم رجوع به دادگاه برای جبران خسارت نیز به کار رود، مفهوم ماهوی آن به معنی حق جبران خسارت است؛ به عبارت دیگر رجوع به دادگاه مفهوم شکلی عبارت remedy و حق جبران خسارت مفهوم ماهوی آن است (Shelton, 2015: 16). بر این اساس و با توجه به مباحث مطرح شده درباره واژگان متفاوت حقوقی در جبران خسارت و همچنین تعاریف مطرح شده، ترجمه ماده ۸ اعلامیه می‌تواند به این صورت درج شود: «هرکسی از حق جبران خسارت مؤثر در برابر نقض حقوق اولیه‌اش که قوانین اساسی یا قوانین عادی به او ارزانی داشته‌اند، در دادگاه‌های صالح ملی برخوردار است».

۵. در این میان، می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در تکلیف دولت‌ها برای تضمین جبران خسارت مؤثر (بند ۳ ماده ۲) و جبران خسارت برای بازداشت غیرقانونی (بند ۵ ماده ۹) و یا اشتباهات قضایی (بند ۶ ماده ۱۴) اشاره کرد. همچنین در دیگر اسناد بین‌المللی، به صورت ویژه برای گروه‌های خاص نیز حق جبران خسارت مورد توجه قرار گرفته است که می‌توان به ماده ۶ کنوانسیون بین‌المللی حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی، در حق افراد برای مطالبه غرامت و جبران عادلانه در اثر اعمال تبعیضات نژادی، ماده ۱۴ کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه در مورد خسارت‌های ناشی از شکنجه، بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از همه افراد در برابر ناپدید شدن اجباری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها و کنوانسیون (شماره ۱۶۹) مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۹ سازمان بین‌المللی کار درباره مردمان بومی و قبیله‌ای در کشورهای مستقل اشاره کرد. در حقوق بین‌المللی بشردوستانه نیز مقرراتی در موضوع حق قربانیان مخاصمات مسلحانه برای جبران خسارت شناخته شده است که می‌توان به ماده ۳ کنوانسیون لاهه در موضوع حقوق و عرف‌های جنگ در زمین مصوب ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، ماده ۹۱ پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و مرتبط با حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (پروتکل اول) مصوب ۸ ژوئن ۱۹۷۷ و مواد ۶۸ و ۷۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اشاره کرد. در این میان، در اسناد و معاهدات منطقه‌ای نیز این موضوع با اهمیت واقع شده است که ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق، ماده ۲۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد توجه هستند.

عنوان کرد همه اسناد و ساختارهای سازمانی سازمان ملل متحد، اعم از اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور و همچنین کمیته‌های تخصصی آن، بر حق جبران خسارت قربانیان نقض‌های حقوق بشری تأکید کرده‌اند و تنها نوع و میزان جبران خسارت بسته به ماهیت خسارات ایجادشده و نیازهای قربانیان، متفاوت مطرح شده است.^۱

استانداردهای مرتبط با حق جبران خسارت در نقض حقوق بشر، با تصویب قطعنامه «اصول و رهنمودهای اساسی درباره حق جبران خسارت و غرامت»^۲ برای قربانیان موارد نقض فاحش مقررات بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۳ (که از این پس به اختصار قطعنامه اصول نامیده می‌شود) از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به نقطه عطف خود رسید که اولین تدوین جامع حقوق زیان‌دیدگان نقض حقوق بشر برای جبران خسارت است؛ اگرچه تعهدات حقوقی جدیدی را مطرح نمی‌کند، ولی با این حال به شناسایی مکانیزم‌ها، شرایط، رویه‌ها و روش‌های پیاده‌سازی تعهدات موجود حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه می‌پردازد.^۴ به این علت، قطعنامه اصول را می‌توان سند جامع مکانیزم جبران خسارت در نظام بین‌المللی دانست.^۵

نکته بااهمیت این است که قطعنامه، اصول مرتبط با مسئولیت دولت‌هاست، ولی این مسئولیت برای نقض حقوق بشر از سوی دولت‌ها و لزوم جبران آن نیست، بلکه مسئولیت دولت‌ها در پیاده‌سازی نرم‌های بین‌المللی مرتبط با جبران خسارت است؛ به صورتی که قربانیان بتوانند به جبران خسارت مؤثر دسترسی داشته باشند. بر این اساس، اصل اول قطعنامه اصول تأکید می‌کند که کشورها باید اطمینان یابند که قانون ملی آن‌ها با تعهدات بین‌المللی در این زمینه سازگاری دارد. مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، به صورت سنتی با روابط بین‌الدولی مرتبط بوده

1. See: Shelton, 2011: 119.

۲. در عنوان قطعنامه از دو واژه «remedy» و «reparation» استفاده شده است که هر دو به صورت عام در فارسی معادل جبران خسارت هستند. با این وجود، به منظور تفکیک واژگان از دو واژه جبران خسارت و غرامت استفاده شده است. در برخی ترجمه‌ها از متن قطعنامه، از معادل دادخواهی استفاده شده است که به نظر می‌رسد دو واژه جبران خسارت و غرامت ترجمه دقیق‌تری باشد.

3. UN GENERAL ASSEMBLY, Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, December 16, 2005.

4. See: Mccracken, 2005: 77.

۵. اگرچه این قطعنامه مرتبط با نقض فاحش مقررات بین‌المللی حقوق بشر و ممکن است این ایراد مطرح شود که آیا می‌توان مقررات آن را در نظام داخلی مورد بررسی قرار داد؟ این نکته قابل ذکر است که هم در خود قطعنامه اصول و هم در اسناد تفسیری آن به صراحت مطرح شده است که این سند دربرگیرنده اصول و قواعد و عرف بین‌المللی موجود در زمینه جبران خسارت نقض حقوق بشر است؛ بنابراین منحصر به نقض فاحش حقوق بشر نیست (Boven, 2010: 2).

است. با این حال، تحولات حقوق بین‌الملل، به خصوص پس از جنگ جهانی، موضوع مسئولیت دولت‌ها در روابط آن‌ها با اشخاص و تعهد به حمایت از حقوق بشر را نیز مورد توجه قرار داد؛^۱ به عبارت دیگر بر اساس اصول این قطعنامه، دولت‌ها باید در فراهم کردن دسترسی قربانیان نقض حقوق بشر از سوی دیگر اشخاص، به جبران خسارت، آن را در نظام داخلی خود رعایت نمایند.

از سوی دیگر، برخلاف نظریاتی که حقوق بشر را محدود به رابطه میان دولت و افراد می‌دانستند و اعمال آن در روابط خصوصی را جایز نمی‌شمردند، امروزه این نظریه طرفداران چندانی ندارد و لزوم رعایت حقوق بشر در روابط خصوصی افراد، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.^۲ بر این اساس، حقوق بشر دارای اثر افقی است و در رابطه میان اشخاص خصوصی نیز اجرا می‌شود.^۳ بنابراین، صدور حکم به جبران خسارت نیز یکی از ضمانت‌اجراهای مؤثر نقض حقوق بشر است.^۴ این جبران خسارت در چهارچوب مسئولیت مدنی صورت می‌گیرد که برای جبران ضرر و رفع نقض، راه‌حل ارائه می‌دهد.^۵

در نظام حقوقی ایران، مانند بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر، التزام به جبران خسارت در چهارچوب مسئولیت مدنی مطرح است؛ به عبارت دیگر «در هر مورد که شخصی ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۴۶). در نظام حقوقی ایران، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم نیز جزو دعاوی خصوصی^۶ و مستلزم رعایت تشریفات مدنی است.^۷ اگرچه نهاد مسئولیت مدنی ایران ریشه بسیاری در فقه اسلامی دارد، با این وجود به دلایل هماهنگی قواعد فقهی با کرامت انسانی و مبانی حقوق بشر و همچنین ساختارهای عقلانی این قواعد و تحولات صورت‌گرفته در آن و به خصوص تبدلات حقوقی با دیگر نظام‌های حقوقی در دهه‌های اخیر، نکات قابل‌تأملی را در مقایسه این دو نظام حقوقی ارائه می‌دهند که در این پژوهش به بررسی آن‌ها پرداخته شده است. پرسش مهم

1. See: Boven, 2010: 2.

۲. نک: شریفی، ۱۳۹۳: ۴۹-۷۵.

۳. نک: بادینی، ۱۳۹۱: ۱۰۲.

۴. نک: شریفی، ۱۳۹۱: ۸۴.

۵. نک: شریفی، ۱۳۹۱: ۸۸.

۶. ماده ۹ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود: الف. دعوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی؛ ب. دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است؛ مانند حد قذف و قصاص».

۷. ماده ۱۵ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان‌دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را برای پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا پیش از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است».

مطرح شده در این زمینه این است که نهاد مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران و ساختار حق جبران خسارت در عرصه‌ی بین‌المللی تا چه میزان مشابهت و تفاوت دارند. آیا هر دو مقصد نهایی مشترکی را دنبال می‌کنند یا مسیرهای متفاوتی در جبران خسارت برای هر دو نهاد داخلی و بین‌المللی تعریف شده است؟ به عبارت دیگر، بین نهاد مسئولیت مدنی در جبران خسارت مؤثر نقض حقوق بشر، با اعلامیه اصول که در حقیقت، سند جامع حق جبران خسارت در عرصه بین‌المللی است تا چه میزان انطباق و هماهنگی وجود دارد. پاسخ به این پرسش‌ها افزون بر بازشناسی دقیق‌تر ساختارهای بین‌المللی، به غنای مفاهیم حقوقی داخلی و بین‌المللی نیز کمک شایانی می‌نماید.

این مقاله، برخلاف روال معمول پژوهش‌های حقوق تطبیقی که به مقایسه دو نظام داخلی می‌پردازند، می‌کوشد نظام حقوقی داخلی را با نظام حقوقی بین‌المللی مورد بررسی قرار دهد؛ اگرچه ویژگی جهانی بودن حقوق بین‌الملل این مفهوم را به ذهن متبادر می‌کند که پژوهش‌های تطبیقی در آن جایی ندارد، با این حال در سال‌های اخیر شاخه «حقوق بین‌الملل تطبیقی» (Comparative International Law) جایگاه ویژه‌ای میان پژوهشگران حقوقی یافته است. «حقوق بین‌الملل تطبیقی» در تلاش برای شناسایی، تحلیل و توضیح این مطلب است که قواعد حقوق بین‌الملل چگونه در نظام‌های مختلف حقوقی، فهمیده، تفسیر و اجرا می‌شود.^۱ از طرف دیگر، این ایده که حقوق بین‌الملل تنها حاکم بر روابط میان دولت‌هاست و خارج از نظام‌های حقوقی داخلی شکل می‌گیرد، با انتقادهای جدی روبرو شده است. تحولات حقوق بین‌الملل در این خصوص، با تصویب اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۷ شروع شد که در آن مفهوم «تابعان حقوق بین‌الملل» (Subjects of International Law) به گستره افراد و گروه‌های خصوصی نیز کشیده شد.^۲ در این میان، موضوع جبران خسارت اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه قواعد جبران خسارت برای سال‌های متممادی و پیش از ظهور حقوق بین‌الملل در نظام‌های داخلی وجود داشته است؛ بنابراین تأثیرات آن بر حقوق بین‌الملل غیرقابل انکار است.^۳

لازم به گفتن است که پژوهش‌های تطبیقی بین‌المللی، افزون بر غنا و توسعه نظام حقوقی داخلی، موجب سازگاری و هماهنگی (Harmonisation) بیشتر بین این دو نظام می‌شود. همچنین، اگرچه قواعد بین‌المللی بر مبنای ماده ۹ قانون مدنی در نظام داخلی نیز لازم‌الاجرا هستند، با این حال تفاوت‌های ساختاری این دو نظام داخلی و بین‌المللی می‌تواند موانع مهمی در پیاده‌سازی نرم‌های

1. See: Roberts et al, 2018: 6.

2. See: Delmas-Marty, 2006: 44-45.

3. See: Feyter, 2005: 39.

بین‌المللی در نظام داخلی ایجاد کند. این موضوع، به‌عنوان مثال در مورد «جبران خسارت» نمود برجسته‌ای دارد؛ چراکه قربانیان نقض حقوق بشر، عملاً ممکن است از حق پیش‌بینی‌شده خود در حقوق بین‌الملل در دسترسی به جبران خسارت مؤثر، به دلیل همین موانع محروم شوند.

این نوشتار، می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا ساختار مکانیزم داخلی که در چهارچوب (مسئولیت مدنی) وجود دارد، سازگاری مناسبی با ساختارهای بین‌المللی دارد تا بتوان به جبران خسارت مؤثر پیش‌بینی‌شده در حقوق بین‌الملل دست یافت؟ براین اساس، مسئولیت مدنی به‌عنوان مرکزیت پژوهش انتخاب شده و قواعد بین‌المللی پیرامون آن مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مفاهیم و مبانی، یگانگی، دوگانگی

نخستین موضوع موردتوجه در این رابطه، تحلیل مفاهیم و مبانی مرتبط با جبران خسارت در دو نظام حقوقی بین‌المللی و داخلی است. آیا ما در جبران خسارت در نظام داخلی و بین‌المللی با یک نهاد مشابه با رویکردها و رویه‌های یکسان روبرو هستیم و یا تفاوت‌های ساختاری و مفهومی آن‌ها آن قدر زیاد است که هرکدام مسیر و مقصدی متفاوت از دیگری دارد؟ به نظر می‌رسد همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، از سویی به دلیل آنکه جبران خسارت در نظام بین‌الملل ریشه در قواعد داخلی کشورها دارد، رسیدن به یگانگی و شباهت‌های ساختاری در این دو نهاد مختلف دور از ذهن نباشد. از دیگر سو، نظام حقوقی ایران ریشه در فقهات اسلامی دارد که در برخی موارد متفاوت از ساختارهای بین‌المللی است.

۱. در اینجا بیان این نکته لازم است که اگرچه دولت‌ها خود می‌توانند حقوق بشر را نقض نمایند و از این جهت مسئولیت جبران آن را داشته باشند، باین‌وجود به‌منظور امکان مقایسه دو نظام جبران خسارت داخلی و بین‌المللی، آنچه موردنظر این نوشتار است، جبران خسارت نقض حقوق بشر به‌وسیله افراد است؛ لذا این پرسش مطرح است که در دسترسی به جبران خسارت و بهره‌مندی قربانیان از حق جبران خسارت مؤثر، نظام داخلی و بین‌المللی چه رویکرد متفاوت و یا مشابهی را دنبال می‌کنند. باین‌وجود، دولت‌ها اگرچه حتی خود موجب نقض حقوق بشر نشوند، همچنان مسئولیت فراهم کردن امکان دسترسی قربانیان به جبران خسارت را دارند؛ به‌عبارت‌دیگر در حقوق بین‌الملل بشر، دولت‌ها متعهد هستند که از حقوق افراد حمایت و تضمین نمایند که افراد بتوانند به‌صورت کامل از حقوق خود بهره‌مند شوند. به این منظور دولت‌ها باید همه اقدامات قانونی و قضایی را در این خصوص انجام دهند تا قربانیان به جبران خسارت مؤثر دسترسی یابند. تعهد دولت‌ها به حمایت از حقوق بشر در رویه قضایی بین‌المللی بارها تأکید شده است؛ ازجمله می‌توان به پرونده‌های زیر اشاره کرد:

Human Rights Committee, 1982, Communication No. 45/1979: Colombia, 31/03/82, CCPR/C/15/D/45/1979,

para 15; Inter-American Commission on Human Rights, 1996, Case 10.559, Report No. 1/96, OEA/Ser.L/V/II.91 Doc. 7 at 136, para V(3); Inter-American Court of Human Rights, 1996, Loayza Tamayo Case, Judgement on the Preliminary Objections, para 164; Inter-American Court of Human Rights, 1996, Suarez Rosero Case, Provisional Measures in the Matter of Ecuador, Order of the President, paras 97-99; European Court of Human Rights, 1985, X and Y v the Netherlands, Series A91. para 27.

۲-۱. ترمینولوژی جبران خسارت در حقوق بین‌الملل و مسئولیت مدنی

برای اشاره به جبران خسارت در متن‌های حقوق بین‌الملل، از واژگان متعددی استفاده شده است^۱ که گاه به‌جای یکدیگر نیز به کار می‌روند و عموماً شامل جبران خسارت،^۲ اعاده به وضع سابق (Restitution)، پرداخت غرامت (Compensation)، بازسازی (Rehabilitation) و کسب رضایت (Satisfaction) هستند^۳ تا جایی که برخی نویسندگان حقوقی بیان کرده‌اند «ترمینولوژی جبران خسارت در زمینه‌ی مسئولیت بین‌المللی، چه در متون چه در آرای قضایی و چه در رفتارهای دیپلماتیک تا اتحاد و یکپارچگی فاصله بسیار زیادی دارد» (Haasdiik, 1999: 245-263). در این میان در اسناد بین‌المللی به‌صورت کلی سه واژه Redress و Reparation، Remedial و Redress برای اشاره مستقیم به «جبران خسارت» مورد استفاده قرار گرفته است^۴ که در این اسناد تمایز دقیقی میان این واژگان مشاهده نمی‌شود.^۵ قطعنامه اصول نیز با آگاهی دقیق از این عدم تفکیک مفاهیم در عنوان خود هر دو واژه Remedial و Reparation را به کار برده و در متن نیز بارها از واژه Redress استفاده کرده است. کمیته مقابله با شکنجه در نظریه عمومی شماره ۳ خود در سال ۲۰۱۲ واژه Redress را شامل هر دو مفهوم Effective Remedy و Reparation می‌داند.^۶ با این وجود، به نظر می‌رسد Remedial اشاره به مفهوم شکلی و ابزارها و روش‌های دستیابی به جبران خسارت،^۷ Reparation در مفهوم ماهوی آن به معنی جبران خسارت به‌دست‌آمده مانند غرامت دریافت‌شده^۸ و Redress در معنای عمل انجام جبران خسارت تعریف شده است.^۹

در نظام حقوقی داخلی ایران، اگرچه مفاهیم متعددی اعم از پرداخت غرامت، اعاده به وضع سابق و به نظر برخی حقوقدانان، اتلاف، تسبیب و... پیرامون موضوع جبران خسارت وجود دارد،

1. See: Bouchet-Saulnier, 2006: 459-460.

۲. برای جبران خسارت، واژه‌های متفاوت Redress, Remedial, Reparation به‌کاررفته‌اند.

3. See: SHELTON, 2013: 883-886. Shelton, 2015: 13-31. SCHLEKER, 2009: 330-332. De Feyter, 2005: 36-39. Jean and Gilbert, 2001: 975. Capitani, 2016: 896-897. Bouchet-Saulnier, 2006: 459-460. HAASDIJK, 1992: 245-263. C.D.I., 1993 : 64.

4. See: Martin and Law, 2006: 457.

۵. نک: بخش ترجمه دیوان داوری دعاوی ایران لاهه، ۱۳۸۷: ۶۴-۶۵.

6. UN COMMITTEE AGAINST TORTURE (CAT), *General comment no. 3, 2012: Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment: implementation of article 14 by States parties*, December 13, 2012, para. 2. URL: <http://www.refworld.org/docid/5437cc274.html>. Accessed February 13, 2018.

۷. در حقوق بین‌الملل عموماً به‌صورت جمع reparations به کار می‌رود.

8. See: Shelton, 2015: 16.

9. See: Echeverria, 2003: 8.

با این وجود جبران خسارت به صورت کلی با مفهوم «مسئولیت مدنی» مرتبط است و از این حیث در متون حقوقی ایران، پراکندگی موجود در حقوق بین‌الملل مشاهده نمی‌شود. مسئولیت مدنی در معنای عام، التزام به جبران خسارت و در معنای خاص، تعهدات جبران خسارت خارج از قرارداد یا مسئولیت مدنی قهری است.^۱ در مورد مسئولیت مدنی قهری عبارات «الزامات خارج از قرارداد» و «ضمان قهری» نیز به کار رفته است^۲ که به نظر می‌رسد این دو واژه اخیر فراتر از مسئولیت مدنی به معنی دقیق آن باشد؛ زیرا واژه نخست، شامل ایفاء ناروا و اداره مال غیر و واژه دوم، شامل استیفاء نیز هست که شمول این نهادها در مسئولیت مدنی مورد تأمل است.

در این زمینه، آنچه باید مورد اشاره قرار گیرد، موضوع نگاه متفاوت دو نهاد داخلی و بین‌المللی درباره جبران خسارت است. در اسناد بین‌المللی حقوق بشر اصولاً به حق جبران خسارت اشاره می‌شود که طبیعتاً در مقابل آن، مسئولیت و تعهد و تکلیف به جبران خسارت نیز وجود دارد. در مقابل، در نظام حقوقی ایران، عموماً به حق جبران خسارت اشاره‌ای نشده است و موضوع مسئولیت به جبران خسارت و یا مسئولیت مدنی مطرح می‌شود و به صورت طبیعی مفهوم حق جبران خسارت نیز از آن استخراج می‌شود. ممکن است این تفاوت دیدگاه ناشی از نگاه متفاوت دو نظام حقوقی در عرصه داخلی و بین‌المللی باشد؛ چراکه نظام بین‌المللی حقوق بشر، بر مبنای حمایت از حقوق افراد بشر طرح‌ریزی شده است که از جمله آن حق جبران خسارت است؛ در صورتی که به نظر می‌رسد آنچه در نظام داخلی اهمیت دارد، جبران ضرر و مسئولیت‌های افراد برای برقراری عدالت است. تفاوت این دو دیدگاه این پرسش را مطرح می‌کند که مرزهای جبران خسارت تا کجا ادامه می‌یابد و آیا اگر نظام داخلی را خسارت‌محور و نظام بین‌الملل را فردمحور فرض کنیم، فرد آسیب‌دیده حتی در صورت دریافت یک جبران خسارت مؤثر همچنان ممکن است به حمایت‌های فراتر از آن نیاز داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش، ابتدا این موضوع مطرح است که فرض یادشده در تلقی نظام داخلی به نظام خسارت‌محور، به نظر می‌رسد فرض صحیحی نیست؛ چراکه اهمیت حمایت از فرد آسیب‌دیده در نظام مسئولیت مدنی ایران نیز مشهود است.

در این باره، اصل ۲۲ قانون اساسی و همچنین ماده ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، به صراحت بر اهمیت کرامت انسانی فرد آسیب‌دیده و لزوم حمایت از وی، به منظور از بین بردن آثار ناشی از ضرر اشاره کرده‌اند تا جایی که عنوان شده است دادگاه در جبران زیان مادی و معنوی فرد

1. See: Echeverria, 2003: 8.

۲. ماده ۳۰۷ قانون مدنی بیان می‌دارد: «امور ذیل موجب ضمان قهری است: ۱. غصب و آنچه در حکم غصب است؛ ۲. اتلاف؛ ۳. تسبیب؛ ۴. استیفاء».

آسیب‌دیده («... افزون بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر...») نیز اقدام نماید. در این ماده، باز گذاشتن دست دادگاه در حمایت از فرد انسانی از سوی قانون‌گذار به‌خوبی مشهود است. از طرف دیگر، این تفاوت دیدگاه، دو روی یک سکه است و در عمل برای جبران خسارت، پیامدهای قابل اشاره‌ای ندارد؛ به دلیل اینکه چه تمرکز بر روی فرد آسیب‌دیده باشد و چه بر ضرر و خسارت، تا حد بسیاری نتایج مشابه به دست می‌آید؛ بنابراین از این منظر تفاوت چندانی بین دو نظام به‌وجود نمی‌آید.

۲-۲. مبانی مسئولیت، تقصیر مانع جبران خسارت

از دیگر سو، در نظام‌های داخلی در موضوع مبانی مسئولیت مدنی نظریه‌های متفاوتی مطرح شده که نظام حقوقی ایران نیز از آن مستثنا نبوده است. نظریه خطر، نظریه تقصیر و نظریه تضمین حق و نظریه تعهد ایمنی از مهم‌ترین این نظریه‌هاست^۱ که قبول هرکدام چهارچوبی متفاوت در اثبات و ایجاد مسئولیت به وجود می‌آورد. در نظریه تقصیر، کسی را می‌توان مسئول دانست که مرتکب تقصیر شده باشد و اثبات آن اصولاً بر زیان‌دیده است؛^۲ درحالی‌که در نظریه خطر، شخصی که از فعالیت سود می‌برد، باید ضررهای ناشی از آن را نیز تحمل کند^۳ و زیان‌دیده کافی است، ثابت کند که ضرر به او وارد شده و این ضرر ناشی از فعل عامل ورود ضرر است.^۴ موضوع بااهمیت در این زمینه این است که اگر مبنای مسئولیت، تئوری خطر یا تضمین حق یا تعهد ایمنی باشد، نیازی به تقصیر نیست.^۵

در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، عنوان شده است که «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده است، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است». این ماده با درج عبارت «عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی» به صراحت مبانی تقصیر را پذیرفته است. براین اساس و طبق قول مشهور حقوقدانان، در نظام حقوقی کنونی ایران، مبنای تقصیر پذیرفته شده در ماده ۱ قانون مدنی، یک قاعده عام است که بیشتر موارد مسئولیت مدنی را در

۱. نک: یزدانیان، ۱۳۹۵ ب: ۲۴۹. نظریه‌های دیگری نیز، مانند تحلیل اقتصادی مطرح شده‌اند که به نظر نمی‌رسد، مرتبط با مبنای مسئولیت جبران خسارت چه در نظام داخلی و چه در نظام بین‌الملل باشند.

۲. نک: صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۶۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۸۳.

۳. نک: صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۶۸.

۴. نک: کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۹۷.

۵. نک: یزدانیان، ۱۳۹۵ ب: ص ۲۵۲.

برمی‌گیرد، ولی در مواردی، مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر در قوانین ایران پذیرفته شده که استثناً بر قاعده یادشده است.^۱ به عبارت دیگر، در قوانین ایران، مسئولیت اصولاً مبتنی بر تقصیر است و شخص در صورتی مسئولیت دارد که مرتکب تقصیر شده باشد، ولی پذیرفتن این اصل مانع از پذیرش مسئولیت بدون تقصیر نیست.^۲

در چهارچوب حقوق بین‌الملل حقوق بشر و به خصوص قطعنامه اصول، آنچه اهمیت دارد دسترسی آسیب‌دیدگان به جبران خسارت است. پاراگراف یازدهم اعلامیه اصول به‌صراحت بیان می‌دارد که جبران کافی، مؤثر و فوری خسارات به علت آسیب تحمل‌شده، از حقوق تفکیک‌ناپذیر حق جبران خسارت نقض‌های فاحش حقوق بشر است؛ موضوعی که در ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ نیز منعکس شده است. حمایت از حقوق انسانی و لزوم کرامت انسانی و همچنین نیاز به بازسازی و بهبود سلامت افراد آسیب‌دیده، از مفاهیم اصلی چهارچوب‌های حقوق بشری است؛ بنابراین جبران خسارت مؤثر باید در صورتی انجام گیرد.

افزون بر آن و چنانچه به‌تفصیل مطرح خواهد شد، در نظام بین‌الملل حقوق بشر، دولت‌ها مسئول جبران خسارت‌های واردآمده بر افراد نیستند و آن‌ها اصولاً متعهد به فراهم کردن دسترسی جبران خسارت برای قربانیان هستند؛ لذا جبران خسارت اصولاً از طریق افراد مسئول صورت می‌گیرد. با این حال، به دلیل اهمیت لزوم جبران خسارت از فرد قربانی، اسناد بین‌المللی در جایی که به فرد مسئول دسترسی وجود ندارد و این خطر وجود دارد که ممکن است قربانی بدون جبران خسارت باقی بماند، دولت‌ها را متعهد کرده تا جبران خسارت را خود انجام دهند که عموماً از طریق صندوق‌های حمایتی مرتبط صورت می‌گیرد؛ بنابراین دولت‌ها پشتیبان این جبران خسارت هستند که نشان‌دهنده اهمیت جبران خسارت نقض حقوق بشر در صورتی است. بر این اساس، می‌توان عنوان کرد که رویه‌ی جاری در حقوق بین‌الملل و قطعنامه اصول، پذیرفتن قاعده جبران خسارت بدون تقصیر یا محض است.

اگرچه در این زمینه، بین نهاد جبران خسارت داخلی و بین‌المللی اختلاف وجود دارد و این پرسش مطرح است که در مواردی از نقض حقوق بشر که نتوان در آن‌ها عامل تقصیر را اثبات کرد، آیا خسارت بدون جبران باقی می‌ماند؟ با این وجود، هم به دلیل پذیرفتن مسئولیت‌های بدون تقصیر که در نظام حقوقی داخلی چندان کم نیستند و همچنین وجود مسئولیت بیت‌المال یا مسئولیت صندوق‌های تأمین، جبران خسارت‌های نقض حقوق بشر در مسئولیت‌های بدون تقصیر نیز در حقوق داخلی امکان‌پذیر است.

۱. نک: صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۸۴.

۲. نک: کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۳-۲۲۴.

۲-۳. مسئولیت مدنی قهری یا قراردادی

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی به دو شعبه مهم تقسیم شده است که هرکدام آثار و نتایج متفاوت دارد که اعم از مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری (خارج از قرارداد) است. در مسئولیت قراردادی، وجود قرارداد بین زیان‌دیده و عامل ورود ضرر و این موضوع که خسارت ناشی از اجرا نکردن مفاد قرارداد باشد، برای ایجاد این مسئولیت ضروری است. به عبارت دیگر، مسئولیت قراردادی التزام به جبران ضررهای وارده، در نتیجه عدم اجرای قرارداد از سوی متعهد است، ولی در مسئولیت قهری صرف ایجاد ضرر و خسارت به دیگری به عمد یا خطا موجب ایجاد مسئولیت می‌شود و ریشه آن تخلف از تکالیف قانونی است نه قرارداد.^۱

از سویی، در بررسی مسئولیت جبران خسارت در حقوق بین‌الملل، نقض یک تعهد بین‌المللی از جمله شرایط پیش‌نیاز شناسایی مسئولیت مطرح شده، به صورتی که در حقوق بین‌الملل مسئولیت دولت‌ها، همانند نظام‌های داخلی، نقض یک تعهد موجب التزام به جبران خسارت‌های وارده می‌شود. از سوی دیگر در اسناد بین‌المللی، تعهدات بسیاری در مورد تضمین، احترام و پیشگیری از نقض حقوق بشر وجود دارد که عدم رعایت آن‌ها نیز نقض تعهدات بین‌المللی به شمار آمده، موجب تعهد به جبران خسارت می‌شود.^۲ اگرچه شاید بتوان در حقوق بین‌الملل مسئولیت دولت‌ها، معاهدات بین‌المللی را با قراردادهای داخلی همانند دانست که نقض آن‌ها نیز شبیه نقض قراردادهای داخلی تصور شود و لذا مسئولیت جبران خسارت مرتبط با آن را نیز در قلمرو مسئولیت قراردادی دانست، با این وجود در مورد مسئولیت جبران خسارت در نقض حقوق بشر، آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، مسئولیت قهری است؛ چراکه معاهدات بین‌المللی بین دولت‌ها اتفاق می‌افتد و تمامی تعهدات بین‌المللی نیز در حکم قانون محسوب می‌شوند؛ لذا منشأ جبران خسارت قانون است نه تعهدات قراردادی.^۳ به عبارت دیگر، مسئولیت قهری به معنی «مسئولیت جبران ضرر ناشی از فعل یا ترک فعلی است که از نظر قانون و عرف خطا محسوب می‌شود» (یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۶۹) و در مورد حقوق بشر، قانون و عرف همان تعهدات و قواعد حقوق بشر در عرصه بین‌المللی است. این موضوع از این جهت اهمیت دارد که آثار و نتایج مسئولیت قراردادی و قهری در نظام حقوقی ایران متفاوت است^۴ و شناسایی حق جبران خسارت نقض حقوق بشر در چهارچوب مسئولیت

۱. نک: یزدانیان، ۱۳۷۹: ۵۸-۷۷.

2. See: Shelton, 2015: 13.

۳. اگرچه تعهدات دولت‌ها می‌تواند منشأ قراردادی داشته باشد و این قرارداد همان معاهده حقوق بشری است که با دیگر دولت‌ها منعقد شده است، ولی این قرارداد بین دولت و فرد قربانی صورت نگرفته است؛ لذا نمی‌توان جبران خسارت در حقوق بین‌الملل را در چهارچوب مسئولیت مدنی قراردادی مطرح کرد؛ به این معنا که مسئولیت ناشی از نقض قرارداد بوده است.

۴. نک: صفری و پاک‌طینت، ۱۳۸۹: ۲۵۳-۲۶۳.

قهری اهمیت دارد.^۱ در مواردی نیز که ممکن است قراردادی بین فرد آسیب‌دیده و عامل ورود ضرر وجود داشته باشد، به نظر می‌رسد از دیدگاه بین‌المللی همچنان مسئولیت قهری حاکم است؛ چراکه مکانیزم بین‌المللی جبران خسارت، نقض حقوق بشر را ناشی از تعهدات بین‌المللی می‌داند نه قرارداد، و به دنبال جبران خسارت مؤثر آن است.

۳. دسترسی به جبران خسارت در نظام داخلی و بین‌المللی

افزون بر بررسی مفاهیم ماهوی در دو نهاد داخلی و بین‌المللی، مکانیزم دسترسی به جبران خسارت مؤثر نقض حقوق بشر نیز از موضوعات قابل بحث در این زمینه است که نشان می‌دهد رویکرد داخلی و بین‌المللی تا چه حد در این زمینه هماهنگی و اشتراک و یا تفاوت دارند.

۳-۱. روش‌های جبران خسارت

جبران خسارت در عرصه بین‌المللی اصولاً به صورت اعاده به وضع سابق صورت می‌گیرد. موضوعی که در نظام داخلی مسئولیت مدنی نیز وجود دارد و در این زمینه بین نظام داخلی و نظام بین‌الملل هماهنگی و مشابهت وجود دارد. همچنین، جایی که اعاده به وضع سابق ممکن نیست، در نظام داخلی مسئولیت مدنی و همچنین در عرصه بین‌المللی، طیف متنوع و متفاوتی از انواع روش‌های جبران خسارت مطرح شده است. باین وجود، ابهامات در پرداخت جبران خسارت‌های مازاد بر دیه و همچنین چالش‌های جبران خسارت‌های معنوی، موانعی را در دستیابی به جبران خسارت مؤثر پدید آورده است.

دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۳ سپتامبر سال ۱۹۲۸، در رأی مربوط به پرونده کارخانه چروزوف (Chorzów)، تأکید کرد که «جبران خسارت، باید تا جایی که ممکن است، همه پیامدها و آثار مربوط به عمل خلاف قانون را از بین ببرد و شرایطی را فراهم کند که اگر عمل خلاف یادشده انجام نمی‌شد، آن وضعیت به احتمال زیاد وجود می‌داشت» (CPIJ, 1928: 47). براین اساس، هدف غایی یا اصل عمومی حاکم بر جبران خسارت از منظر حقوق بین‌الملل، چنانچه در شرح ماده ۷ کنوانسیون مسئولیت دولت‌ها نیز عنوان شده است، در عبارت «اعاده وضع به حال سابق» (Restitutio in integrum) خلاصه می‌شود که عبارت است از برقراری وضعیتی که پیش از انجام عمل خلاف قانون موجود بوده است و «در یک تعریف به معنی بازگرداندن رابطه طرفین دعوا به حالت اولیه خود و در تعریفی دیگر، به معنی بازگشت به وضعیتی که وجود می‌داشت، اگر عمل

۱. این تفاوت در موضوعات گوناگونی، اعم از انتخاب دادگاه صلاحیت‌دار، تفاوت اثبات در دو مسئولیت، تفاوت درجه‌ی خطا برای شناسایی مسئولیت، زمان تخمین خسارت، ارزش ادله، قانون حاکم، میزان خسارات و ... بروز می‌کند.

خلاف قانون ارتکاب نیافته بود» (C.D.I., 1993: 64). برخی نویسندگان، این مفهوم را هدف به صورت گسترده، مورد پذیرش قرار گرفته‌ی جبران خسارت در حقوق بین‌المللی عمومی می‌دانند که در چهارچوب «عدالت جبران‌کننده» (Remedial Justice) مطرح شده و به صورتی است که عمل خلاف ارتکاب‌یافته در مورد فرد آسیب‌دیده مورد اصلاح قرار گیرد و بی‌عدالتی صورت گرفته از طریق «اعاده وضع به حال سابق» (status quo ante) تصحیح گردد. در این راستا، «جبران خسارت به منظور قرار دادن شخص آسیب‌دیده به همان جایگاهی است که اگر عمل خلاف صورت نگرفته بود، فرد در آن جایگاه قرار داشت». به نظر می‌رسد این رویکرد اساس بیشتر آرای بین‌المللی در مورد جبران خسارت، از جمله رأی کارخانه چروزوف است.^۱ البته ایده «اعاده وضع به حال سابق» در حقوق بین‌الملل با چالش‌هایی نیز همراه بوده است و نویسندگان حقوقی تحقق آن را به صورت کامل، امری غیرممکن می‌دانستند تا جایی که آن را «پارادوکس اساسی در قلب جبران خسارت»^۲ نامیده‌اند؛ به این مفهوم که بین تعهد به بازگشت به وضعیت قبلی و علم به اینکه چنین بازگشتی دست‌یافتنی نیست، ناسازگاری وجود دارد.^۳ در حقوق داخلی ایران نیز، در موضوع روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی و در پاسخ به این پرسش که مکانیزم مسئولیت مدنی در جبران ضرر چیست، جبران عینی یا اعاده به وضع سابق اولین و طبیعی‌ترین روش به شمار آمده،^۴ همچنین آن را روش اصلی ترمیم خسارت می‌دانند که بر دیگر روش‌ها اولویت و ارجحیت دارد.^۵

افزون بر آن، درجایی که اعاده به وضع سابق انجام‌پذیر نیست، نظام بین‌الملل حقوق بشر، طیفی از روش‌های خلاقانه جبران خسارت را به وجود آورده که پرداخت غرامت و بازسازی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست.^۶ ماده ۷۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جبران خسارت را شامل اعاده به وضع سابق (Restitution)، غرامت (Compensation) و بازسازی (Rehabilitation) می‌داند و بیان می‌دارد: «دیوان راجع به جبران خسارات مجنی علیه‌ی یا در ارتباط با آنان قواعدی کلی، از جمله اعاده به وضع سابق، غرامت و بازسازی را مقرر خواهد کرد».^۷ افزون بر آن در این زمینه، اعلامیه اصول برای فراهم شدن یک جبران خسارت کامل و مؤثر، افزون بر این موارد، رضایت (Satisfaction) و ضمانت به عدم تکرار (Guarantees of Non-Repetition) را نیز اضافه می‌کند

1. See: Shelton, 2013: 883-886.

2. "Basic paradox at the heart of reparation".

3. See: Naomi, 2004: 122.

۴. نک: یزدانیان، ۱۳۷۹: ۷۸.

۵. نک: حاجی عزیزی، ۱۳۸۰: ۶۷.

6. See: McCarthy, 2009: 250-271.

7. NATIONS UNIES, *Statut de Rome de la Cour pénale internationale*, juillet 1998.

و همچنین در مورد هر کدام از این روش‌ها، دامنه و گستره‌ی وسیعی تعریف کرده است. افزون بر آن، این اعلامیه به انواع متفاوتی از خسارت‌های مادی و معنوی می‌پردازد که طیف وسیعی از خسارات را شامل می‌شود؛ اعم از آسیب جسمی یا روانی؛ فرصت‌های ازدست‌رفته، از جمله اشتغال؛ آموزش و پرورش و مزایای اجتماعی؛ خسارات مادی و از دست رفتن درآمدها، از جمله از دست دادن امکان بالقوه کسب درآمد؛ زیان اخلاقی و معنوی و همچنین هزینه‌های لازم برای مساعدت حقوقی یا کارشناسی، دارو و خدمات پزشکی و خدمات روانی و اجتماعی.

در نظام مسئولیت مدنی نیز تنوع و گستردگی قابل اشاره‌ای در روش‌های جبران خسارت وجود دارد. به صورت سنتی، در مسئولیت مدنی، خسارات به مادی و معنوی تقسیم شده‌اند و هرگاه اعاده به وضع سابق ممکن نباشد، از روش‌های دیگری، مانند جبران مثلی و دادن معادل آن و در نهایت، پانجبران قیمی از طریق پرداخت پول استفاده می‌شود. افزون بر آن، همان‌طور که گفته شد، در قانون مسئولیت مدنی دامنه وسیعی برای روش‌های جبران خسارت مطرح شده است؛ به صورتی که ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی بیان می‌دارد: «...دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، افزون بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر، از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نیز اقدام نماید».^۱ براین اساس، در نهاد داخلی نیز طیف گسترده‌ای از روش‌ها برای جبران خسارت وجود دارد.

از طرف دیگر، یکی از مهم‌ترین خساراتی که در نتیجه‌ی نقض حقوق متوجه افراد است، خسارات و صدمات وارد شده بر جسم و روان افراد است. در نهاد مسئولیت مدنی، خسارات ناشی از صدمات بدنی از جمله ضررهای مادی محسوب می‌شود که شامل هزینه‌های درمان و بازپروری است.^۲ اعلامیه اصول نیز در پاراگراف بیستم، پرداخت غرامت را در مورد صدمات جسمی و روانی مطرح کرده است. در نظام حقوقی ایران تا پیش از انقلاب اسلامی، جبران خسارت‌های بدنی از طریق مسئولیت مدنی امکان داشت؛ به صورتی که مصدوم از طریق دادگاه‌های حقوقی برای احقاق حق خود اقدام می‌کرد. پس از انقلاب اسلامی و در جهت اسلامی کردن مقررات و قوانین، قانون دیات تصویب شد و جبران خسارت‌های بدنی منحصراً از طریق نهاد دیه انجام می‌شود.^۳ نهاد دیه اگرچه به عنوان نوعی نظام پرداخت غرامت در مورد صدمات بدنی و روانی محسوب

۱. ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی بیان می‌کند: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر افزون بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

۲. نک: یزدانیان، ۱۳۷۹: ۹۲.

۳. نک: احمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۶.

می‌شود و در ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به صراحت احکام و آثار مسئولیت مدنی در مورد دیه را بیان می‌کند،^۱ با این وجود دیه نمی‌تواند همیشه همه ضرر ناشی از جرم را جبران کند و گاه بخش مهمی از آن جبران نشده باقی می‌ماند، به‌ویژه به این دلیل که «در نظام دیه تفاوت‌های ناشی از شخصیت زیان‌دیده و رنج و لطمه‌های روحی و صدمه به سرمایه معنوی او نادیده گرفته شده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۶۶-۶۷). در این مورد، مطالبه ضرر و زیان مازاد بر دیه و جمع میان قانون دیات و دیگر قواعد مربوط به مسئولیت مدنی^۲ در نظام حقوقی ایران، دارای ابهام بوده و بین حقوقدانان و فقها محل اختلاف است.^۳

۲-۳. مسئولیت دولت در فراهم کردن جبران خسارت

در کنار محدودیت‌ها و چالش‌های مربوط به نحوه جبران خسارت و روش‌های آن در نظام حقوقی ایران، در این موضوع که مسئولیت جبران خسارت با چه شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی است نیز در نظام داخلی و بین‌المللی تفاوت‌های ساختاری وجود دارد. در نظام داخلی ایران، مانند دیگر نظام‌های حقوقی در موضوع جبران خسارت، اصل شخصی بودن مسئولیت حاکم است و افراد مسئولیتی در برابر افعال زیان‌بار دیگران ندارند^۴ و عامل ورود ضرر مسئول جبران خسارت است و جبران خسارت به وسیله شخص ثالث امری استثنایی و خلاف قاعده است.^۵ در نظام بین‌الملل حقوق بشر، همان‌طور که مطرح شد، دولت‌ها مسئول جبران خسارت‌های صورت گرفته بر افراد نیستند و آن‌ها اصولاً متعهد به فراهم کردن دسترسی جبران خسارت برای قربانیان هستند؛ لذا جبران خسارت اصولاً از طریق افراد مسئول صورت می‌گیرد. با این حال، به دلیل لزوم حمایت از افراد آسیب‌دیده، مسئولیت دولت نیز پذیرفته شده است و دولت نیز در جبران خسارت نقض حقوق قربانیان مسئولیت دارد. به عبارت دیگر، افزون بر فرد مسئول به جبران خسارت، دولت‌ها نیز باید هم در فرایند جبران خسارت کمک نمایند و هم در فراهم کردن و تسهیل مکانیزم‌های جبران خسارت مؤثر و دسترسی به آن اقدامات لازم را انجام دهند. بند شانزدهم اعلامیه اصول بیان می‌دارد: «در صورتی که طرف‌های مسئول برای آسیب وارده قادر یا مایل به اجرای تعهدات خود نباشند، کشورها باید بکوشند برنامه‌های ملی برای پرداخت غرامت و کمک‌های دیگر به قربانیان

۱. ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «دیه، حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد. ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه، مصالحه، ابراء و تهاجر بری نمی‌گردد».

۲. نک: کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۶۷.

۳. نک: صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۴۵.

۴. نک: حسینی، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۴.

۵. نک: یزدانیان، ۱۳۹۵ الف: ۳۲۳.

تدوین کنند). همچنین، بند ۱۲ اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جنایت و سوء استفاده از قدرت بیان می‌دارد: «هنگامی که پرداخت غرامت از مجرم یا دیگر منابع به صورت کامل امکان‌پذیر نیست، دولت‌ها باید بکوشند تا غرامت مالی را فراهم نمایند».^۱

به صورت کلی، افراد در نظام داخلی مسئولیت مدنی، اصولاً تنها در برابر فرد آسیب‌زنده یا نماینده وی، شانس دریافت جبران خسارت دارند و سازمان یا نهاد مجزا و مستقل قضایی مرتبط با قضیه وجود ندارد.^۲ در صورتی که از منظر حق جبران خسارت تعریف شده در حقوق بین‌الملل، قربانی امکان درخواست جبران خسارت را از دولت نیز دارد؛ بنابراین از دیدگاه بین‌المللی نمی‌توان خسارات وارد شده به افراد را بدون جبران باقی گذاشت. با این وجود، در نظام حقوقی ایران نیز تحولاتی جدید در زمینه‌ی مسئولیت دولت برای فراهم کردن جبران خسارت صورت گرفته و مسئولیت دولت و مسئولیت صندوق‌ها پیش‌بینی شده است؛ از جمله در ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد پرداخت دیه که به صراحت عنوان شده است که هرگاه دسترسی به مرتکب ممکن نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

۳-۳. دسترسی به عدالت، مفهوم دوبعدی جبران خسارت

می‌توان گفت که در حقوق بین‌الملل، جبران خسارت با دو بعد شکلی و ماهوی تعریف شده است. بر این اساس، بعد شکلی جبران خسارت، به معنی فرایندی است که در آن به دعوی مرتبط با جبران خسارت نقض حقوق بشر رسیدگی و درباره آن‌ها در محاکم یا دیگر نهادهای اداری تصمیم‌گیری می‌شود. بعد ماهوی نیز مرتبط با نتایج حاصل از این تصمیمات است که به بازسازی و بازیابی قربانی و زدودن پیامدهای ناشی از نقض حقوق می‌انجامد.^۳ بر این اساس، در جبران خسارت، از منظر شکلی باید فرایند دادرسی برای بررسی شکایت‌های مرتبط با نقض حقوق بشر چه در دادگاه یا دیگر نهادهای اداری وجود داشته باشد. از دیگر سو، جنبه ماهوی جبران خسارت، مرتبط با نتایج حاصل از این رسیدگی است که به بهبود وضعیت شاکی و یا اعاده وضع به حال سابق کمک می‌کند.^۴ بنابراین، التزام به جبران خسارت، در وهله اول مستلزم وجود نهادها و فرایندهای دادرسی برای جبران خسارت است که قربانی بتواند به آن‌ها دسترسی داشته باشد.^۵ این موضوع

1. UN GENERAL ASSEMBLY, Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, November 29, 1985.

۲. نک: حسینی، ۱۳۹۴: ۱۶۳.

3. See: Shelton, 2015: 16.

4. See: Shelton, 2015: 16.

5. See: Shelton, 2015: 17.

در پاراگراف ۱۱ اعلامیه اصول آمده است که بیان می‌دارد حق جبران خسارت برای نقض‌های فاحش قانون بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های شدید قانون بین‌المللی بشردوستانه، شامل حق قربانی در دسترسی برابر و مؤثر به عدالت نیز است. چنانچه مشاهده می‌شود، دسترسی به مراجع قضایی برای مطالبه جبران خسارت، بخش جدایی‌ناپذیر حق جبران خسارت محسوب می‌شود که بدون آن، دستیابی به جبران خسارت انجام‌پذیر نیست؛ در صورتی که در نظام داخلی، حق مطالبه جبران خسارت و مسئولیت مدنی در متون حقوقی به صورت مجزا مورد بحث قرار گرفته است. درست است که حق دسترسی به دادگاه در نظام حقوقی داخلی وجود دارد، ولی حق جداگانه‌ای است که بر اساس قانون به افراد بخشیده شده است و ارتباطی به جبران خسارت ندارد. اهمیت این موضوع در این مسئله است که در حق جبران خسارت برای نقض حقوق بشر، موضوع دسترسی به دادگاه برای مطالبه این حق اهمیت بسیاری دارد و باید به صورت ویژه مورد بررسی قرار گیرد.

۴. الزامات دسترسی به جبران خسارت

اگرچه در بررسی دو نظام داخلی و بین‌المللی جبران خسارت، به رویکردهای مشابهی در جبران خسارت رسیدیم، ولی ساختار داخلی از نقض‌های جدی در الزامات مرتبط با حق جبران خسارت رنج می‌برد؛ الزاماتی که به صورت تدریجی در حقوق بین‌الملل بشر و رویه قضایی بین‌المللی توسعه یافته است.

سرعت در دادرسی، از جمله این الزامات است که در پرونده‌های متفاوتی مورد تأکید مراجع بین‌المللی قرار گرفته است. دادگاه اروپایی حقوق بشر استراسبورگ در پرونده سوزا ریبرو (Souza Ribeiro) تأکید کرد: «غیرقابل تصور است که ماهیت لازم جبران خسارت به دلیل طولانی شدن فرایند دادرسی، تضعیف شود».^۱ همچنین به دلیل گروهی بودن برخی از نقض‌های حقوق بشر، باید امکان جبران خسارت گروهی نیز در ساختار داخلی وجود داشته باشد. اصل هشتم قطعنامه اصول بیان می‌دارد که ممکن است افراد به صورت فردی و یا گروهی مورد آسیب قرار گیرند. بر این اساس، باید امکان دریافت جبران خسارت به صورت فردی و یا گروهی ممکن باشد. در این خصوص در پرونده کالوتو مسک (Caloto massacre) که در آن شماری از افراد بومی به قتل رسیدند، دیوان آمریکایی حقوق بشر رأی به «جبران خسارت اجتماعی» برای همه جامعه بومی آن منطقه داد.^۲ همچنین، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر نیز در پرونده بومیان منطقه اوگونی علیه دولت نیجریه، در موضوع تخریب زمین‌های بومیان به وسیله شرکت‌های نفتی، به شناسایی حق جمعی بومیان

1. See: European Court of Human Rights, 2012 : 81.

2. See: Inter-American Commission on Human Rights, 2000: 23, 28, 75(3).

پرداخت.^۱ موضوع حق جمعی در پرونده دیگری در موضوع تبعیض نژادی سازمان یافته علیه ساکنین کامرون جنوبی، به صورت روشن تر از سوی کمیسیون آفریقایی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفت.^۲ از طرف دیگر، رویه قضایی بین المللی بر ایجاد سیاست های حمایتی ویژه برای برخی گروه های آسیب پذیر، مانند کودکان و زنان تأکید می کند؛ به صورتی که امکان دسترسی آسان به جبران خسارت برای آنها وجود داشته باشد. دیوان آمریکایی حقوق بشر در نظر مشورتی و دیگر آرای خود، بر این موضوع تأکید کرده است که دسترسی به جبران خسارت باید آسان و متناسب با نیازهای گروه های خاص باشد.^۳

در این خصوص، موضوع دریافت جبران خسارت های معنوی نیز در نظام حقوق بین الملل بشر مورد توجه جدی بوده است. بند (د) پاراگراف ۲۰ اعلامیه اصول، به صراحت زیان های اخلاقی و معنوی را از جمله زیان هایی می داند که باید مناسب و متناسب با شدت نقص و شرایط آن از طریق پرداخت غرامت جبران شود. همچنین، این اعلامیه در پاراگراف های بعدی به بیان روش هایی که مختص خسارت های معنوی است، مانند جلب رضایت، عذرخواهی و بزرگداشت و یادآوری و ادای احترام به قربانیان پرداخته است. دیوان داوری در پرونده لوزیتانیا (Lusitania) تأکید کرد که آسیب روحی، به همان میزان آسیب جسمی واقعی است و باید جبران شود.^۴ همچنین، دیوان بین المللی دادگستری نیز در یک پرونده بازداشت غیرقانونی تأکید کرد که آسیب های غیرمادی، پیامدهای ناگزیر اعمال خلاف هستند که باید جبران شوند.^۵ همچنین، در مورد پرونده های مرتبط با ناپدید شدن اجباری (Enforced Disappearances)، رویه قضایی بین المللی نه تنها فرد قربانی را شایسته دریافت جبران خسارت می داند، بلکه برای نزدیکان وی نیز که از این حادثه دچار آسیب روحی و روانی شده اند، جبران خسارت قائل است. در پرونده آلمدا کنتروز (Almeida de Quinteros)، کمیته حقوق بشر مادر فرد ناپدید شده را نیز قربانی رفتار غیرانسانی موضوع ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می داند.^۶ دیوان حقوق بشر آمریکایی نیز از اولین آرای خود به شناسایی «خسارات معنوی» پرداخت.^۷ در نظام حقوقی ایران، افزون بر خسارت های مادی، خسارت های معنوی نیز شناسایی شده است که به طور مستقیم جنبه

1. See: African Commission on Human and People's Rights, 2001: 57, 61, 68.

2. See: African Commission on Human and People's Rights, 2009: 1.

3. See: Inter-American Court of Human Rights, 2002: 98. Inter-American Court of Human Rights, 2005: 62-63. Inter-American Court of Human Rights, 2010: 185.

4. See: Mixed Claims Commission, 1923:32-36.

5. See: ICJ, 2012: 21.

6. See: Human Rights Committee, 1990: 14-16.

7. See: Inter-American Court of Human Rights, 1989: 50-52.

مالی ندارد و عموماً شامل صدماتی است که به اعتبار و احساسات و عواطف افراد وارد می‌شود.^۱ با این وجود، چگونگی جبران این نوع خسارت‌ها و نحوه ارزیابی آن در نظام حقوقی ایران به صراحت تعیین نشده و با ابهامات فراوان روبروست^۲ و با فقدان یک ضابطه معین برای تقویم و تعیین انواع مختلف خسارت معنوی روبرو هستیم.^۳ همچنین، بخشی از حقوق معنوی، در چهارچوب حقوق معنوی مربوط به شخصیت افراد مطرح شده است که شامل حقوق مرتبط با حیثیت، آبرو، حریم خصوصی و... مطرح است که اگرچه در برخی قوانین داخلی، از این حقوق حمایت و بر لزوم جبران خسارت‌های وارد شده به آن‌ها تأکید شده است، ولی در این زمینه هنوز نظریه عمومی ارائه نشده و «حق بر شخصیت» به صورت کلی مورد حکم قرار نگرفته است و رویه قضایی قابل توجهی نیز در این زمینه وجود ندارد.^۴

۵. نتیجه‌گیری

جبران خسارت نقض حقوق بشر در عرصه بین‌المللی که به صورت جامع در اعلامیه اصول منعکس شده است، ریشه در ساختارهای حقوقی داخلی دارد؛ بنابراین در بررسی نظام حقوقی داخلی و به تعبیر خاص‌تر، در نظام مسئولیت مدنی با نظام بین‌المللی، با اشتراکات و یگانگی بسیاری روبرو می‌شویم. در همین راستا، اگرچه به صورت عام، مبنای مسئولیت مدنی بر اساس تئوری تقصیر است و این خطر وجود دارد که بخشی از خسارت‌های وارد شده به افراد که امکان اثبات عامل تقصیر در آن‌ها فراهم نیست، بدون جبران باقی بماند، با این حال موارد مسئولیت بدون تقصیر نیز در نظام داخلی کم نیست و می‌توان از پتانسیل آن در این زمینه استفاده کرد. از دیگر سو، در روش‌های جبران خسارت نیز قانون مسئولیت مدنی، دست دادگاه را در انتخاب طیف وسیعی از روش‌های جبران خسارت باز گذاشته که نقطه قوت نظام داخلی در دستیابی به جبران خسارت نقض حقوق بشر است. در نظام بین‌المللی نیز دولت اصولاً مسئول فراهم کردن دسترسی قربانیان به جبران خسارت است. با این حال، به دلیل اهمیت لزوم جبران خسارت نقض‌های حقوق بشر، مسئولیت دولت در فراهم کردن جبران خسارت در جایی که دسترسی به فرد مسئول ممکن نیست، پیش‌بینی شده است. در این خصوص، با وجودی که به صورت کلی، افراد در نظام داخلی مسئولیت مدنی، اصولاً تنها در برابر فرد آسیب‌زننده یا نماینده وی، شانس دریافت جبران خسارت دارند، با این وجود در نظام حقوقی ایران تحولاتی جدید در زمینه مسئولیت دولت برای جبران خسارت

۱. نک: سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۴۹.

۲. نک: نیک‌فرجام، ۱۳۹۲: ۱۰۵.

۳. نک: سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۱۳-۳۱۴.

۴. نک: بادینی، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۰.

صورت گرفته و مسئولیت دولت و مسئولیت صندوق‌ها پیش‌بینی شده است تا در صورتی که دسترسی به عامل ورود ضرر و دیگر مسئولین مرتبط ممکن نباشد، جبران خسارت‌های وارد شده صورت گیرد. همه این اشتراکات، بیانگر رویکرد و مسیر یکسان نظام جبران خسارت داخلی و سازگاری آن با جبران خسارت مؤثر پیش‌بینی شده در عرصه حقوق بین‌الملل بشر است.

آنچه در مجموع از این مقاله مورد توجه است، امکان سازگاری هرچه بیشتر هر دو نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی در موضوع جبران خسارت است. بر این اساس و با توجه به مباحث مطرح شده، باید از ظرفیت‌های موجود نظام داخلی، بهره‌مندی لازم در این خصوص صورت گیرد. در این رابطه، مسئولیت بدون تقصیر باید جایگاه ویژه‌ای در جبران خسارت نقض حقوق بشر پیدا کند تا امکان دسترسی قربانیان به جبران خسارت در صورتی فراهم باشد. از طرف دیگر، در روش‌های جبران خسارت باید تنوع بیشتری مورد توجه قرار گیرد که فراتر از صرفاً پرداخت غرامت است. همچنین، در صورتی که دسترسی به عامل ضرر ممکن نباشد، صندوق‌های دولتی جبران خسارت باید توسعه داده شود و محدود به موارد خاص نباشد. همچنین همان‌طور که مطرح شد، در عمل، جبران خسارت برای قربانیان نقض حقوق بشر می‌تواند با موانعی مهم روبرو شود که مرتبط با الزامات دسترسی به جبران خسارت است که عموماً در رویه قضایی بین‌المللی منعکس شده است. بر این اساس، تسریع در رسیدگی، امکان دسترسی آسان به جبران خسارت برای افراد آسیب‌پذیر، امکان دریافت جبران خسارت گروهی و همچنین امکان دریافت جبران خسارت‌های معنوی، از جمله الزاماتی هستند که نظام داخلی با نقض‌های جدی در خصوص آن‌ها روبروست و موانع مهمی در دسترسی به جبران خسارت محسوب می‌شوند. بر این اساس، نظام داخلی باید برای رفع این موانع گام‌های جدی بردارد.

کتاب‌نامه

الف. کتب و مقالات

الف-۱. فارسی

- احمدی، قادر؛ احمد مرادخانی؛ محمدمهدی احمدی و علیرضا عسگری (۱۳۹۳)، «جبران خسارت بدنی، از طریق نهاد دیه یا مقررات مسئولیت مدنی»، مطالعات فقهی و فلسفی، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۹۵-۱۱۶.
- بادینی، حسن (۱۳۹۱)، «مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوط به شخصیت و حقوق بشر»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۷.
- بخش ترجمه دیوان داوری دعای ایران (لاسه) (۱۳۸۷)، فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی به فارسی، تهران: گنج دانش، نشر دادآفرین.
- حاجی عزیزی، بیژن (۱۳۸۰)، «روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی»، دانشور پزشکی، جلد ۹، شماره ۳۶، صص ۶۳-۷۲.
- حسینی، سیدهادی (۱۳۹۴)، «مسئولیت تبعی دولت در جبران ضررهای بلاجبران وارده به شهروندان»، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۱۲۳-۱۶۶.
- سلطانی‌نژاد، هدایت‌الله (۱۳۸۰)، مسئولیت مدنی خسارت معنوی، تهران: نورالثقلین.
- شریفی، علیرضا (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق بشر، تهران: جاودانه، جنگل.
- صفایی، سیدحسین و حبیب‌الله رحیمی (۱۳۹۱)، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، قم: سمت.
- صفری، محسن و حسن پاک‌طینت (۱۳۸۹)، «مسئولیت قهری و قراردادی: تفاوت‌ها و کارکردها»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۰، شماره ۴، صص ۲۴۷-۲۶۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نیک‌فرجام، زهره (۱۳۹۲)، «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۱۰۵-۱۲۷.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، قلمرو مسئولیت مدنی، تهران: آیلار.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵)، «قاعده تعیین مسئول جبران خسارت بر مبنای فعل زیان‌بار»، مجله حقوقی دادگستری، جلد ۶، شماره ۹۴، صص ۲۳۵-۲۵۸.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵)، حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد اول، تهران: میزان.

الف-٢. لاتین

- Roberts, Anthea, Stephan, Paul B., Verdier, Pierre-Hugues & VERSTEEG, Mila (dirs.) (2018). *Comparative international law*, New York, NY: Oxford University Press.
- Association Henri Capitant (2016). *Vocabulaire juridique*, 11th ed., Paris : Presses universitaires de France.
- Bailliet Cecilia M. and Larsen Kjetil Mujezinović (2015). *Promoting peace through international law*, Oxford New York: Oxford University Press.
- Bouchet-Saulnier, Françoise (2006). *Dictionnaire pratique du droit humanitaire*, 3rd ed., Paris : La Découverte.
- Buchanan Ruth, Zumbansen Peer (2014). *Law in transition: human rights, development and transitional justice*, Oxford: Hart Publishing.
- Buckley-Zistel Susanne, Koloma Beck Teresa, Braun Christian and Mieth Friederike (2014). *Transitional justice theories*, Abingdon, GB New York, N.Y: Routledge.
- De Feyter Koen (ed.) (2005). *Out of the ashes: reparation for victims of gross and systematic human rights violations*, Antwerpen: Intersentia.
- Martin E. A. and Law Jonathan (eds.) (2006). *A dictionary of law*, 6th ed, New York: Oxford University Press.
- Palmer Nicola Frances, Clark Philip and Granville Danielle (2012). *Critical perspectives in transitional justice*, Cambridge Antwerp Portland (Or.): Intersentia.
- Roht-Arriaza Naomi (2004). *Reparations in the Aftermath of Repression and Mass Violence*, in *My Neighbor, My Enemy: Justice and Community in the Aftermath of Mass Atrocity*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Salmon Jean and Guillaume Gilbert (2001). *Dictionnaire de droit international public*, Bruxelles: Bruylant.
- Shelton Dinah (2015). *Remedies in international human rights law*, Third edition, Oxford: Oxford University Press.
- Echeverria Gabriela (2003). *Reparation: A Sourcebook for Victims of Torture and Other Violations of Human Rights and International Humanitarian Law*, London: Redress Trust.
- Haasdijk, S. (1992). "The lack of uniformity in the terminology of the international law of remedies", *Leiden Journal of International Law*, Vol. 5, No. 2, pp. 245-263.
- McCarthy, Conor (2009). "Reparations under the Rome Statute of the International Criminal Court and Reparative Justice Theory", *International Journal of Transitional Justice*, Vol. 3, No. 2, pp. 250-271.
- McCracken, K. (2005). "Commentary on the basic principles and guidelines on the right to a remedy and reparation for victims of gross violations of international

- human rights law and serious violations of international humanitarian law”.
Revue internationale de droit pénal, Vol. 76, No. 1-2, pp. 77-79.
- Delmas-Marty, Mireille (2006). “Comparative Law and International Law: Methods for Ordering Pluralism”, *University of Tokyo Journal of Law and Politics*, Vol. 3, pp. 44-59.
- Schleker, Carolin (2009). *Reparations*, in Forsythe, David P. (ed.), *Encyclopedia of human rights*, 2e ed., Oxford New York Auckland: Oxford university press.
- Shelton Dinah (2013). *Reparation*, in Rüdiger Wolfrum (ed.), *The Max Planck encyclopedia of public international law*, Oxford New York: Oxford University Press.
- Boven, Theo van (2010) “The United Nation Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law”, *United Nations Audiovisual Library of International Law*, pp. 1-6.

ب- اسناد بین المللی

- C.D.I. (1993). Commentaire de l’art. 7 du projet d’articles sur la responsabilité des états (dans son état en 1993), [s.l.] : A.C.D.I.
- Nations Unies (1998). Statut de Rome de la Cour pénale internationale.
- UN Committee Against Torture (CAT) (2012). General comment No. 3 : Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment : implementation of article 14 by States parties.
- UN General Assembly (1985). Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power.
- UN General Assembly (2005). Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law.
- United Nations General Assembly (1948). The Universal Declaration of Human Rights.

ج- آرای قضایی

- African Commission on Human and People’s Rights (2001). The Social and Economic Rights Action Center and the Center for Economic and Social Rights v Nigeria, Communication 155/96.
- African Commission on Human and People’s Rights (2009) Kevin Mgwanga Gunme et al v Cameroon, 266/2003.
- CPII (1928). Usine de Chorzów (arrêt). Series A. No. 9.

- European Court of Human Rights (1985). *X and Y v the Netherlands*, Series A91, 26 March.
- European Court of Human Rights (2012). *De Souza Ribeiro v France*, App. No. 22689/07.
- Human Rights Committee (1982). Communication No. 45/1979: Colombia, 31/03/82, CCPR/C/15/D/45/1979.
- Human Rights Committee (1990). *Almeida de Quinteros et al v Uruguay*, Communication 107/1981, UN Doc CCPR/C/OP/2 at 138.
- ICJ (2012). *Ahmadou Sadio Diallo v Democratic Republic of the Congo (Compensation)*.
- Inter-American Commission on Human Rights (1996). Case 10.559, Report No. 1/96, OEA/Ser.L/V/II.91 Doc. 7 at 136.
- Inter-American Commission on Human Rights (2000). “Caloto Massacre” (Colombia), Report No. 36/00, Case 11.10.
- Inter-American Court of Human Rights (1989). *Velásquez Rodríguez v Honduras (Compensatory damages)*, Series C No. 7.
- Inter-American Court of Human Rights (1996). *Loayza Tamayo Case, Judgement on the Preliminary Objections*.
- Inter-American Court of Human Rights (1996). *Suarez Rosero Case, Provisional Measures in the Matter of Ecuador, Order of the President*.
- Inter-American Court of Human Rights (2002). *Advisory Opinion OC-17/02, Juridical Condition and Human Rights of the Child*, Series A No. 17.
- Inter-American Court of Human Rights (2005). *The Yakye Axa Indigenous Community Case*, Series C No. 125.
- Inter-American Court of Human Rights (2010). *Rosendo Cantú et al v Mexico*, Series C No. 216.
- Mixed Claims Commission (1923). *Lusitania Cases (United States and Germany)*, Recueil de sentences arbitrales, Vol VII.